**«دیوان کبیر» مولانا**

**نویسنده : ذاکری، مصطفی**

کلیات شمس تبریزی، یا دیوان کبیر. مولانا جلال‏الدین محمّد مولوی بلخی. بر اساس نسخه فروزانفر. به کوشش دکتر توفیق ه . سبحانی. 2 جلد. 2032 ص. نشر قطره. تهران 1381.

چنانکه از عنوان فوق پیداست این کتاب حاوی کلیه اشعار (غزلیات و رباعیات) مولانا جلال‏الدین محمّد بلخی (سپس رومی) است که نام صحیح آن دیوان کبیر است لکن به کلیات شمس تبریزی معروف است، چه قسمت عمده‏ای از غزلیات مولانا با تخلص شمس یا شمس تبریزی آمده است. مولانا نه تنها از نوابغ بلکه از عجائب بی‏همتای روزگار است. مثنوی او بزرگترین و مهمترین کتاب عرفانی است که به شعر در عالم اسلام سروده شده و عرفان را با مثالهای فراوان و با تطبیق آنها با آیات قرآن و احادیث نبوی و قصه‏ها و امثال تشریح و تبیین کرده است. غزلیاتش علی‏الاطلاق غزل به معنای واقعی است که به صرافت طبع و لطف قریحه همه بالبداهه از درون دل او برون تراویده و برای ثبت آنها هرگز قلم و کاغذ به دست نگرفته است؛ بلکه غالبا در حین رقص و سماع در خانقاه به همراه آهنگی که مطرب (یا قوّال) می‏نواخته است آنها را می‏سروده و این کار به قدری طبیعی بوده است که گاه کلمات آهنگین بی‏معنی (مانند تتن‏تن) و گاه الفاظ ترکی و یا یونانی عامیانه و گاه عربی در شعر او آمده است. تنها موردی که تاریخ، نوشتن شعر را به وسیله مولانا ثبت کرده است هنگام شروع به سرودن مثنوی بوده است که 18 بیت اول را نوشته و در زیر دستار خود گذارده بود و آن را به عنوان شروع به حسام‏الدین چلبی داد. از آن پس حسام بود که شعرها را می‏نوشت. مولانا در سرودن شعر ظاهرا درنگ نمی‏کرده است و لذا گاهی قافیه‏ها چندان با اصول منطبق نیست، اما او خود می‏گوید (مثنوی، دفتر اول):

|  |  |
| --- | --- |
| قافیه اندیشم و دلدار من | گویدم مندیش جز دیدار من |
| حرف و صوت و گفت را بر هم زنم | تا که بی این هر سه با تو دم زنم |

و بارها از اینکه مقید به وزن و قافیه بوده است گله کرده (مثلاً در غزل شماره 38) اما هرگز به طور کلی آنها را رها نکرده است.

تنوع اشعار مولانا از نظر وزن و ردیف و قافیه بسیار است. مسعود فرزاد می‏گوید (مجله خرد و کوشش، دوره دوم، شماره اول) که حدود 3300 غزل مولانا (یا دقیقا 3229 غزل و 137 بند از ترجیعات، جمعا 3366 غزل) در 48 وزن مختلف سروده شده است که در بین دواوین اشعار فارسی بی‏نظیر است و لذا دیوان کبیر بزرگترین گنجینه عروضی زبان فارسی است. (حافظ اشعار خود را در 21 وزن سروده است). مولانا 93 درصد اشعار خود (یعنی 3100 غزل از 3300 غزل خویش) را در 20 وزن بسیار خوب و رایج فارسی سروده است و بقیه 200 غزل (یعنی 7 درصد) را در 27 وزن دیگر سروده است و فقط یک وزن نامطبوع دارد (یعنی مفعولٌ مفاعلن مفاعیلن). از نظر طول هم غزلها تنوع فراوان دارد. غزل 4 بیتی (مانند غزل 2070) در این دیوان هست و غزلهای 43 بیتی (غزل 1791) و 47 بیتی (غزل 2944) و حتی 82 بیتی (غزل 1940) نیز در آن پیدا می‏شود. از نظر قافیه غزلهایی هست که شکل مثنوی دارد، یعنی هر بیت آن قافیه جدا دارد (غزل 2452 و 3047)؛ برخی غزلها ردیف دارد و قافیه ندارد (غزلهای 4 و 553 و 714 و 715 و 2857. رک. سیر غزل در شعر فارسی، سیروس شمیسا، ص 217). و از لحاظ تنوع معنا و مضمون نیز شاید نظیری برای آن نتوان یافت.

فروزانفر در تصحیح دیوان کبیر از نه نسخه خطی استفاده کرده است که چهار نسخه آن در اواخر قرن هفتم و چهار نسخه در اوائل قرن هشتم (تا 730 ه . ق.) نوشته شده و یکی از آنها که از همه مهمتر، جامعتر و کاملتر است یعنی نسخه «فذ» (عکس‏برداری شده به وسیله فریدون نافذ) در 770 هجری در 2 جلد و جمعا در 649 صفحه نوشته شده که دارای 40380 بیت است و عبدالباقی گولپینارلی آن را سالمترین و صحیح‏ترین نسخه‏ها می‏داند (ص 25). غالب این نسخ اشعار را بر حسب وزن عروضی آنها تنظیم کرده‏اند، یعنی مثلاً اول تمام اشعاری که در بحر رجز تام (8 بار مستفعلن) سروده شده است آمده و سپس اشعار بحر مضارع (مفعول فاعلاتن 4 بار) و بعد اشعار بحر هزج (مفعول مفاعیلن 4 بار) الی آخر. و البته در هر بحر اشعار مربوط به آن بحر را بر حسب قافیه تنظیم کرده‏اند، یعنی اول غزلهایی را که به حرف الف ختم می‏شوند و سپس غزلهای حرف یاء تا آخر. در چاپهای هند نیز همین روش معمول بوده است. فروزانفر این ترتیب را عکس کرده است تا دسترسی به اشعار آسانتر شود یعنی کلیه اشعار منتهی به حرف الف را اول و سپس حرف باء را تا یاء آورده است اما در هر حرف بحور را به ترتیب ارکان هشت‏تایی و شش‏تایی تنظیم کرده و فروع هر بحر را در ذیل همان بحر آورده است. فروزانفر غیر از این نه نسخه که عکس آنها را در اختیار داشته است ـ و برخی از آنها حاوی قسمتی یا منتخبی از دیوان می‏باشندـ سه نسخه خطی هم خودش داشته که از آنها استفاده نکرده است و قابل استفاده هم ندانسته است. اما اکنون نسخه‏ای از دیوان در ایران وجود دارد که در 654 هجری یعنی در زمان حیات خود مولانا در 311 ورق نوشته شده است (ص 14).

دیوان کبیر به واقع کبیر است زیرا که متجاوز از 40000 بیت دارد (36360 بیت غزلیات و ترجیعات و 1983 رباعی و جمعا 40323 بیت). از شعرای معروف قدیم فقط رودکی بوده است که رشیدی سمرقندی در سعدنامه درباره او گفته است:

|  |  |
| --- | --- |
| شعر او را برشمردم سیزده ره صدهزار | هم فزونتر آید ار چونان که باید بشمری |

که اگر منظور 13بار 100000 یعنی یک میلیون و سیصدهزار باشد بسیار بعید است ولی اگر سیزده‏ره را قید برای شمردن بگیریم معنای کلام او این است که من 13 بار شعر او را شمردم هربار 100000 برآمد و اگر شما درست‏تر بشمارید ممکن است از این بیش باشد. اما متأسفانه از این مقدار فقط یک صدم آن (یعنی 1012 بیت) باقی مانده است. بعد از مولانا صائب هم کثیرالشعر بوده است و هم‏اکنون حدود 100000 بیت از او در دست است. از مولانا حدود 63000 بیت موجود است.

مهمترین چاپ دیوان کبیر همان است که مرحوم بدیع‏الزمان فروزانفر با کمک و مشارکت مرحومان دکتر حسین کریمان و امیرحسن یزدگردی در ده جلد منتشر کرد. جلد اول آن در اواخر سال 1335 و جلد هشتم آن که اختصاص به رباعیات دارد در مهر 1340 به چاپ رسید. دو جلد آخر فهارس تفصیلی غزلیات است که بیش از حد تفصیل یافته است. در جلد هفتم بعد از تتمه غزلیات از حرف یاء و ترجیعات، که در صفحه 178 تمام می‏شود، «فرهنگ نوادر لغات و تعبیرات و مصطلحات دیوان کبیر» آمده است که فروزانفر خود جمع و تدوین کرده است و بعد از فرهنگهای شاهنامه نخستین فرهنگ اختصاصی از این دست است که تألیف شده و بعد از او فرهنگ اشعار صائب و حافظ و دیگران نیز تألیف شده است و اگر صاحب همتی پیدا شود که این فرهنگ را به نحو مطلوبی جداگانه چاپ کند و استدراکات آن را که در آخر همان جلد آمده است در جای خود در داخل فرهنگ وارد کند و ارجاعات را به جای شماره بیتها به شماره غزلها بدهد کار بسیار مفیدی خواهد بود. دیوان مولانا ظاهرا پیش از چاپ فروزانفر 8 بار در هند و یکی دوبار هم در ایران چاپ شده بود و بعد از فروزانفر هم دو سه بار چاپ شده که بر مبنای چاپ فروزانفر بوده است، اما اکنون آقای دکتر توفیق سبحانی چاپ تازه‏ای از این دیوان براساس همان چاپ فروزانفر در دو جلد منتشر کرده‏اند با مزایا و امتیازات زیر:

1) بعضی ابیات، عبارات و یا حتی بعضی غزلها به طور کامل به عربی، یا ندرتا به ترکی و یونانی گفته شده است که بنا به گفته عبدالباقی گولپینارلی در مقدمه خود بر دیوان کبیر ـ که ترجمه آن در ابتدای این چاپ آمده است ـ همه آنها به زبان عامیانه سروده شده است (ص 20) یعنی به عربی متداول بین مردم معمولی حلب در زمان مولانا و یونانی عامیانه رایج در آسیای صغیر در قرن هفتم هجری ـ که هنوز مردم آن منطقه ترک نشده بودند و به زبان بومی خود یعنی یونانی صحبت می‏کردند ـ و ظاهرا ترکی آن هم ترکی معمولی رایج میان عامه ترکان سلجوقی بوده است. مرحوم فروزانفر که ترکی و یونانی نمی‏دانست عبارات این دو زبان را از روی نسخه‏ها به همان صورتی که به نظرش (یا به نظر دکتر کریمان و یزدگردی) رسیده بود چاپ کرده است که در آن غلطهایی راه یافته است. آقای سبحانی این عبارات را تصحیح کرده و معانی همه این اشعار غیر فارسی را به صورت قابل قبولی در ذیل صفحات به فارسی نوشته است که کمک ذی‏قیمتی است به خواننده.

2) املای کلمات را که فروزانفر طبق نسخه «فذ» چاپ کرده است، آقای سبحانی مطابق شیوه نگارش امروزی کرده‏اند (مثلاً «کی» را به «که» و «چندانک» را به «چندانکه» و «خرقها» را به «خرقه‏ها» و «اندیشیده» را به «اندیشیده‏ای» و «بیچاره» را به «بیچاره‏یی» و «بسماع» را به «به سماع» و «توی» را به «تویی» و «جانرا» به «جان را» و «طاوس» را به «طاووس» و «کندر» را به «کاندر» و «کچون» را به «که چون» بدل کرده‏اند) و تشدید کلمات مشدّد را گذاشته‏اند. ضمنا در برخی نسخ قدیم و معاصر مولانا زیر و زبر کلمات نوشته شده بوده است و مرحوم فروزانفر (در صفحه «ح» از مقدمه مصحح، جلد اول) حدس زده که این حرکتها و سکونها نشانه تلفظ و لهجه مولانا بوده است که کاتبان اولیه مثنوی و غزلیات خواسته‏اند آنها را عینا ضبط و حفظ نمایند، زیرا که یاران مولانا از فرط ارادت و ایمان به وی مانند صحابه نسبت به قرآن در مورد تلفظ او مقید بوده‏اند. مثلاً بُبُر و بُپَّرَد (با ضمّ باء اول شبیه آنچه امروز هم در تلفظ عامه رایج است و می‏گویند «سر گوسفند را بُبُر») یا نُبَشته (به ضمّ نون که اضمام آنها همه به علّت مجاورت با واجها یا حروف لبی است). فروزانفر این زیر و زبرها را عینا در چاپ خود ضبط کرده است اما آقای سبحانی این تلفظها را نامأنوس دانسته (ص 15) و آنها را حذف کرده است. به این طریق، کار خوانندگان عادی ساده‏تر شده است، اما خوانندگانی که طالب این‏گونه فواید باشند باید به چاپ اصلی فروزانفر رجوع کنند. مورد دیگر اینکه فروزانفر «کای» به معانی «که‏ای» را به صورت ک : «ای» چاپ کرده است (مثلاً در مطلع غزل 25) و آقای سبحانی همه را بدل به «کای» کرده‏اند.

3) برخی غلطها که در چاپ فروزانفر رخ داده است در این چاپ تصحیح شده است. مثلاً در غزل 147 در چاپ فروزانفر آمده: «تو ز قرآنِ گزینش برگزیدستی دلا» که آقای سبحانی به جای قرآن «فرِّآن» آورده‏اند که به نظر اصحّ می‏آید. یا کلمه ترکی قُتْسُز (kutsuz) به معنای شوم و نامیمون در غزل 529 چاپ فروزانفر قُنْسُز (با نون) ضبط شده که ظاهرا معنایی ندارد. (برای نمونه‏های دیگر از این تصحیحات رک. ص 14 و 15).

4) آیات و احادیثی که مرحوم فروزانفر در پانویس چاپ خود افزوده‏اند در این چاپ آمده و همه آنها ترجمه شده است و اطلاعات مختصری درباره اعلام تاریخی و جغرافیائی نیز در پانویسها آمده است و علاوه بر آن لغات مشکل از روی فرهنگ فروزانفر در پانویسها معنا شده است.

5) غلطهای مطبعی در این چاپ تصحیح شده است و هرجا که فروزانفر در پانویسها تصحیحی در متن نسخه‏های خطی کرده و با حرف «ظ» (یعنی ظاهرا) مشخص کرده است، آقای سبحانی نیز آنها را نقل کرده است ولی در یک مورد دیده شد که آقای سبحانی کار را معکوس کرده است چنانکه در بیت سومِ غزل 3107 آمده: «تنش چو روی مقدس» و فروزانفر در پانویس نوشته: «ظ : روح» اما در متن جدید آمده «تنش چو روح مقدّس» و در پانویس آورده‏اند: «ظاهرا روی»، که خلاف مقصود است. اغلاط چاپی در این چاپ نادر است (مثلاً در پانویس ص 11، «من» از «یا ترا من وفا بیاموزم» افتاده است).

خلاصه آنکه اکنون، به جای ده جلد دیوان کبیر فروزانفر، دیوان شمس را در دو جلد داریم با تمام مزایا و محاسن آن و با امتیازات دیگر که استفاده از آن آسانتر است. معذلک این کتاب ویرایش جدیدی نیست و از نظر تعداد و ترتیب غزلیات و رباعیات و شماره‏گذاری آنها عینا منطبق با چاپ فروزانفر است و هیچگونه تغییر اساسی در محتوای آن داده نشده است.

علی‏رغم آنکه دیوان شمسِ مصحَّح فروزانفر و به تبع آن چاپ حاضر از اشعار الحاقی خالی نیست اما برخی از مهمترین و معروفترین غزلیات منسوب به مولانا در آن یافت نمی‏شود که از آن جمله می‏توان غزلهایی با مطالع زیر را ذکر کرد:

|  |  |
| --- | --- |
| روزها فکر من این است و همه شب سخنم | که چرا غافل از احوالِ دلِ خویشتنم |

|  |  |
| --- | --- |
| آنانکه طلبکار خدایید خدایید | حاجت به طلب نیست شمایید شمایید |

|  |  |
| --- | --- |
| ای مطرب خوش قاقا تو قی‏قی و من قوقو | تو وق‏وق و من حق‏حق تو هَیْ‏هَیْ و من هوهو |

مستزاد معروف، که اگر صحّت انتساب آن به مولانا به اثبات برسد از اولین مستزادهای زبان فارسی است که سروده شده (و اولین آن ظاهرا در یواقیت‏العلوم، ص 178 آمده است) و به هر حال این مستزاد هنر بی‏همتای مولانا را در کشف و به کارگیری قوالب جدید شعری نشان می‏دهد و آن به مطلع زیر است (به نقل از شمس‏الحقایق):

هر لحظه به شکلی بت عیّار برآمد دل برد و نهان شد

هر دم به لباسی دگر آن یار برآمد گه پیر و جوان شد

البته غزل مستزاد دیگری با همین وزن و قافیه و ترتیب به عطار نیشابوری منسوب است که نسبت آن محقق نیست (رک. دفترهای زمانه، اسفند 47، ص 136ـ129، در مقاله اخوان ثالث با عنوان «نوعی وزن در شعر امروز»).

دو فهرست در آخر کتاب اضافه شده است: یکی فهرست غزلها برحسب حرف اول مطلع به ترتیب الفباء که من چندان فایده‏ای در درج چنین فهرستی نمی‏بینم، گرچه پیش از این دیگران در دواوین دیگر چنین کاری کرده‏اند (مثلاً علامه قزوینی و انجوی شیرازی در دیوان حافظ). دوم فهرست غزلها برحسب قافیه آنها به ترتیب الفبا که متأسفانه برحسب ترتیب غزلها در خود دیوان تنظیم شده است، در حالی که بهتر بود قافیه‏ها به ترتیب الفبایی دقیق (شاید به کمک کامپیوتر) و بدون توجه به اوزان عروضی تنظیم می‏شد تا یافتن غزل مورد نیاز آسان می‏گردید؛ و دیگر آنکه بهتر بود تمام بندهای ترجیعات را هم به عنوان غزل تلقی کرده در این فهرست می‏گنجاندند.